

## حکمت گمشده مؤمن



گنجینه نصایح و پندهای فرهنگ ایرانی - اسلامی ما را می‌توان به چند دسته اصلی طبقه‌بندی کرد که هر یک نقشی مهم و بسزا در شکل‌گیری فرهنگ حکمی ما داشته‌اند و آنچه ما در حال حاضر هستیم و نسل‌های پس از ما نیز خواهند بود، درست مانند پیشینیان ما تا اندازه زیادی برآیند تأثیر همین آموزه‌های معنوی نهفته در دل گزین‌گویی‌های اندرزگونه است.

گنجینه نصایح و پندهای فرهنگ ایرانی - اسلامی ما را می‌توان به چند دسته اصلی طبقه‌بندی کرد که هر یک نقشی مهم و بسزا در شکل‌گیری فرهنگ حکمی ما داشته‌اند و آنچه ما در حال حاضر هستیم و نسل‌های پس از ما نیز خواهند بود، درست مانند پیشینیان ما تا اندازه زیادی برآیند تأثیر همین آموزه‌های معنوی نهفته در دل گزین‌گویی‌های اندرزگونه است. تأکید بر وجه گزین‌گویی این میراث فرهنگی برجا مانده ما از آن روست که خصلت «ایجاز» وجه مهم و غیرقابل انکار این بقای نسل به نسل و این مانایی درازمدت به شمار می‌رود.

جالب آن که دنیای امروز نیز شاید نه از سر احساس نیاز، بلکه بیشتر از سر ضرورت‌های زندگی سریع و بی‌وقفه تکنولوژیک، روی به ایجاز آورده و در قالب داستانک‌های مینیمال، هایکوها و اشعار سپید کوتاه، مسیری اینچنین را در پیش گرفته و می‌بینیم که از اقبال عمومی فراوانی نیز برخوردار گشته است. آنچه پیش روست اشاره‌ای کوتاه به انواع مختلف نصایح و پندهای میراث فرهنگی بومی مان است به این امید که فتح بابی باشد برای تأمل بیشتر در این خصوص و توجه بیشتر به این آموزندگی آشکار و بی‌ابای فرهنگ ایرانی - اسلامی ما که شهرت و محبوبیتی جهانی دارد.

### 1 - آیات

زبان کتاب آسمانی ما قرآن، بخصوص در جزء‌های پایانی، زبانی گزین‌گویی است و بسیاری از آیات این معجزه خاتم، در قالب جملات قصار و تعابیر خاص نصب العین زندگی قرار گرفته و بکرات و در موقعیت‌های زمانی و مکانی مختلف از آنها یاد می‌شود. آیاتی نظیر: «فمن يعمل مثقال ذره خیراًیره، و من يعمل مثقال ذره شراًیره: پس هر کس ذره‌ای کار نیک انجام داده باشد (پاداش) آن را می‌بیند و هر کس ذره‌ای کار بد کرده باشد (کیفر) آن را خواهد دید. (زلزال، 7 و 8)» یا این آیه که بیشتر در هنگام راهی کردن مسافر و برای ایمن ماندن او از بلا یا قرائت می‌شود: «فاله خیر حافظاً و هو ارحم الراحمین: پس خداوند بهترین نگاهدار است و مهربان‌ترین مهربانان. (یوسف، 64)» یا این تعبیر کوتاه که خود به قدر کفایت آموزنده و به یادآورنده نیکی هاست: «و بالوالدین احساناً: و نیکی به پدر و مادر (بقره، 83)».

### 2 - روایات

بسیاری از احادیث و روایات معصومین (ع) هست که یا با همان شکل عربی یا در قالب ترجمه فارسی به میان آموزه‌های حکمی عامیانه راه یافته‌اند و بکرات مورد اشاره قرار می‌گیرند. از جمله این حدیث شریف پیامبر اکرم (ص) که فرمودند: «نزدیک است که فقر به کفر انجامد. (الکافی ج 2، ص 307). یا این روایت دیگر از رسول خدا (ص) که: «به زیادی نماز و روزه و حج و نیکی و ورد و ذکر شبانه مردم نگاه نکنید، بلکه به راستگویی و امانتداری آنان توجه کنید. (عیون اخبار الرضا (ع)، ج 1، ص 56، ح 197)» یا این روایت دیگر که مشهورتر و شناخته شده‌تر است تا آنجا که عبارت عربی آن حتی بیشتر از ترجمه فارسی اش کاربرد عامیانه دارد: «النظافه من الایمان: پاکیزگی از ایمان است. (مستدرک الوسائل، ج 16، ص 316)»

اما در میان احادیث و روایات شیعه، یکی از مهم‌ترین منابعی که سرشار از آموزه‌های اندرزگونه درخشان و حکمت‌های ناب بی‌همتا است چنان که می‌دانیم مجموعه سخنان گرانبهای امیرمؤمنان علی (ع) با عنوان «نهج البلاغه» است؛ کتابی ژرف که همواره در کنار قرآن کریم از جمله مهم‌ترین گنجینه‌های سعادت دنیوی و اخروی انسان به شمار می‌آید.

از جمله عبارات در یاد مانده و مشهور این کتاب که در فرهنگ ما کاربرد فراوان دارد می‌توان به این فرازا اشاره کرد: «هنگام فتنه چون شتر دو ساله باش؛ نه پشتی دارد که تا سوارش شوند و نه پستانی دارد که تا شیرش دوشند. (حکمت 1)». و نیز: «بنده دیگری مباش که خدای تو را آزاد آفرید (نامه 31)». و همچنین: «قناعت، مالی است که پایان نیابد. (حکمت 54)» و بالاخره: «حکمت گمشده مؤمن است. حکمت را فراگیر هر چند از منافق باشد. (کلمات قصار، 80)»

### 3 - ابیات

بسیاری از ابیات به کار رفته در اشعار شاعران نامدار فارسی زبان یا ابیاتی که به طور جداگانه و خارج از چارچوب شعر کامل به عنوان مثال در بوستان سعدی شیرازی به کار رفته در ادبیات گفتاری و نوشتاری عام، کاربردی آن چنان یافته‌اند که گاه هرگونه پند و اندرز که متضمن معنای این ابیات باشد با ذکر خود بیت انجام می‌پذیرد نه با شرح معنای آن؛ به عنوان نمونه این ابیات: «درخت تو گر بار دانش بگیرد / به زیر آوری چرخ نیلوفری را (ناصرخسرو)»، «از محبت خارها گل می‌شود / از محبت سرکه‌ها مل می‌شود (مولوی)»، «آفتاب آمد دلیل آفتاب / گر دلیلت هست از وی رو متاب (مولوی)».

اما در این میان، دو شاعر بزرگ وطن، حافظ و سعدی شیرازی جایگاهی به مراتب رفیع‌تر از دیگران دارند. برخی ابیات اندرزگونه فراوان سعدی عبارتند از: «گفت چشم تنگ دنیا دوست را / یا قناعت پر کند یا خاک گور»، «امیدوار بود آدمی به خیر کسان / مرا به خیر تو امید نیست، شر مرسان»، «ترحم بر پلنگ تیزدندان، ستمکاری بود بر گوسفندان»، «علاج واقعه پیش از وقوع باید کرد / دریغ سود ندارد چو رفت کار از دست.» و از حافظ نیز این ابیات پندگویانه بیشتر در خاطر مانده‌اند: «هر که

دل به عشق دهی خوش دمی بود / در کار خیر حاجت هیچ استخاره نیست»، «خلوت دل نیست جای صحبت اصداد / دیو چو بیرون رود فرشته درآید»، «خوش بود گر محک تجربه آید به میان / تا سیه روی شود هرکه در او غش باشد»، «تکیه بر جای بزرگان نتوان زد به گزاف / مگر اسباب بزرگی همه آماده کنی».

#### 4 - امثال

امثال و حکم فارسی که از آن با نام ضرب المثل هم یاد می شود از جهاتی با ابیات و مصرع ها همپوشانی دارد، چراکه بسیاری از ابیات به دلیل کثرت استفاده در زبان عام تبدیل به ضرب المثل شده اند و نیز بسیاری از ضرب المثل ها در قالب نظم و در شکل مصرع یا بیت به زبان فارسی راه یافته اند. شاید تمایز مهمی که در این میان بتوان مطمح نظر داشت، ناشناس بودن یا نامشهور بودن شاعران ابیات مثل گونه یا همان ضرب المثل ها باشد که امکان طبقه بندی این قسم از امثال را در تقسیمی جداگانه فراهم می کند.

ضرب المثل های فارسی فراوان است و نیازی به ذکر آنها در اینجا نیست. نکته ای که بیشتر حائز اهمیت است، ظرفیت وجودی ما برای پذیرش پند و نصیحت در قالب مثل های برآمده از حکایات داستانی یا واقعی است. مساله ای که هم به لحاظ روانشناختی و هم جامعه شناختی جای توجه و تأمل بسیار دارد. طبیعت آدمی چنان است که بسادگی زیر بار نصیحت نمی رود آن هم وقتی که پندها و نصایح از موضع بالا باشند و کسی در مقامی غیر از مقام عصمت، خود را مجاز به اندرز دیگران بدانند. در دو مورد اول یعنی آیات و روایات یا با کلام خداوند مواجهیم یا با کلام معصومین(ع) و در مورد سوم نیز محبوبیت شعرا نزد مخاطبان، به نوعی مجوز پند و اندرز ایشان به شمار می آید و بیان را از موضع استعلا خارج می کند، اما در این مورد بخصوص یعنی امثال و حکم از آنجا که قائلان ناشناس اند و شناخت کاملی از منبع نقل و قائل آن وجود ندارد، مساله به طور کامل بازگشت پیدا می کند به ظرفیت وجودی مخاطب و آمادگی وجودی او برای پذیرش هرآنچه در نظرش آموزه ای مقبول و پذیرفتنی جلوه می کند.

این ویژگی را باید به فال نیک گرفت، چراکه اگر در میان جوامع بشری مردمانی باشند که فارغ از گوینده به مضمون سخن توجه کرده و بهترین را برگزینند یعنی مصداق آیه شریفه «الذین یستمعون القول و یتبعون احسنه» باشند، می توان امیدوار بود که مسیر زندگی انسان رو به تعالی باشد و موانعی که همه از منیت ها و خواهش های نفسانی سرچشمه می گیرند راه رشد و آگاهی را سد نکنند. از این رو می توان گفت وجود ضرب المثل های فراوان در زبان فارسی، از این منظر، مایه فخر و مباهات آشکار ایرانیان است و یکی دیگر از مفاخر ملی مردمان این سرزمین به شمار می آید.

محمد جعفری / جام جم